



توقف صادرات سلاح به اسرائیل

صدراعظم آلمان به دنبال تأیید طرح «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای اشغال شهر غزه، اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی صادرات سلاح به این رژیم را برای استفاده در این شهر متوقف می‌کند. فریدریش مرس در واکنش به طرح اسرائیل برای گسترش عملیات نظامی در شهر غزه بیان کرد که دولت آلمان تا اطلاع ثانوی هیچ‌گونه صادرات تجهیزات نظامی به اسرائیل را که می‌تواند در این شهر مورد استفاده قرار گیرد، تأیید نخواهد کرد. مرس در بیانیه‌ای نگرانی عمیق خود را از رنج غیرنظامیان در نوار غزه ابراز و آزادی آسرای رژیم صهیونیستی و مذاکرات برای آتش‌بس را از اولویت‌های اصلی برلین عنوان کرد. این خبر در حالی منتشر می‌شود که انگلیس، اسپانیا، ترکیه و استرالیا از طرح کابینه رژیم صهیونیستی برای اشغال شهر غزه انتقاد کردند. همچنین این طرح برای تشدید عملیات نظامی در غزه محکومیت بین‌المللی را به همراه داشت.



توقف خریدهای تسلیحاتی از آمریکا

خبرگزاری رویترز در پی تنش در روابط بین هند و آمریکا بر سر تعرفه‌های تجاری، از لغو سفر «راجنات سینگ» وزیر دفاع هند به آمریکا و توقف خریدهای تسلیحاتی از این کشور خبر داد. برپایه این گزارش، سه مقام آگاه هندی گفتند که دهلی‌نو برنامه‌های خود برای خرید سلاح‌ها و هواپیماهای آمریکایی جدید را متوقف کرده است. این اولین نشانه واضح نارضایتی هند پس از اعمال تعرفه‌های تجاری علیه کالاهای صادراتی این کشور به آمریکا است که روابط دو کشور را به پایین‌ترین سطح خود در دهه‌های اخیر رسانده است. خبرگزاری رویترز افزود: هند قصد داشت در هفته‌های آینده راجنات سینگ را برای اعلام برخی از خریدها به واشنگتن اعزام کند، اما به گفته دو منبع آگاه، این سفر لغو شده است.



برای پیشبرد صلح آماده‌ایم

رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند که رؤسای جمهور چین و روسیه از سطح بالای اعتماد سیاسی دوجانبه و همکاری میان روسیه و چین استقبال کردند. «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین روز گذشته با «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه گفت‌وگویی تلفنی داشت. خبرگزاری ریانووستی در این باره نوشت که رسانه‌های چینی گزارش دادند این تماس به درخواست طرف روسی برقرار شد. شی جین‌پینگ در این تماس گفت که پکن از حفظ تماس‌ها، بهبود روابط میان روسیه و چین و پیشبرد راهکار سیاسی برای بحران اوکراین استقبال می‌کند. رئیس‌جمهور چین درباره بحران اوکراین گفت که راهکار ساده‌ای برای مسائل پیچیده وجود ندارد و پکن به پیشبرد صلح و مذاکره میان طرفین کمک خواهد کرد. رهبران دو کشور همچنین از سطح بالای اعتماد سیاسی دوجانبه و همکاری میان روسیه و چین استقبال کردند.

اتلاف راست افراطی دیگر به دلیل موضع سازش‌ناپذیر و سیاست‌های افراطی، تقریباً موجب خواهد شد که روند عادی‌سازی عربستان با اسرائیل متوقف باقی بماند. به‌طور کلی در هر دو سناریو، سیاست‌های تهاجمی اسرائیل همچنان مانع از عادی‌سازی عربستان سعودی خواهد شد. بنابراین، کشورهای حاشیه خلیج فارس ممکن است به سمت یک دیپلماسی متعادل‌تر حرکت کرده و همکاری آشکار با اسرائیل را کاهش داده و در عین حال با احتیاط با ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای تعامل مجدد داشته باشند. در نهایت، این تغییر رویکرد می‌تواند در نمودهایی نظیر کندتر شدن سرعت عادی‌سازی، افزایش احتیاط دیپلماتیک و شدت یافتن تلاش کشورهای خلیج فارس برای تنوع بخشیدن به مشارکت‌های امنیتی بین‌المللی خود، آشکار شود.

▼ ترکیه چه خواهد کرد؟

این احتمال وجود دارد که ترکیه به‌طور فزاینده‌ای به عنوان رقیب اصلی اسرائیل در منطقه ظاهر شود. با توجه به خلأ حضور ایران در سوریه، آنکارا اکنون در موقعیتی قرار دارد که ضامن امنیت سوریه باشد و سوریه این پتانسیل را دارد که عامل تنش بین آنکارا و تل‌آویو باشد. استراتژی‌های ترکیه و اسرائیل برای آینده سوریه با هم در تضاد است. اسرائیل قصد دارد مناطق فرقه‌ای در سوریه ایجاد کند درحالی‌که آنکارا به دنبال متحد کردن این کشور تحت کنترل هیئت تحریرالشام است. علاوه بر این، با وجود سازوکارهای دیپلماتیک و امنیتی اولیه برای کنترل اصطکاک بین ترکیه و اسرائیل در سوریه، برای جلوگیری از درگیری مستقیم بین این دو کشور، نفوذ سیاسی رو به رشد و گسترش نظامی ترکیه در سوریه با گسترش نظامی و امنیتی اسرائیل در جنوب سوریه در تضاد بیشتری قرار خواهد گرفت. در ادامه، با توجه به حمایت احتمالی ترکیه از ایده حمایت از فلسطین و گرایش‌های اسلام‌گرایانه، این رقابت استراتژیک، اصطکاک دوجانبه بین اسرائیل و ترکیه را به ویژه در موضوعات حساسی نظیر سرنوشت بیت‌المقدس و غزه افزایش خواهد داد. علاوه بر این، ترکیه با تعمیق نفوذ خود از طریق گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، به دنبال بهره‌برداری از انزوای اسرائیل در منطقه خواهد بود و به‌طور بالقوه روابط خود را با کشورهای خلیج فارس که نسبت به نیات اسرائیل محتاط هستند را، تقویت خواهد کرد. از آنجایی که ترکیه خود را به عنوان وزنه تعادل اصلی جدید در منطقه می‌بیند، ممکن است دوره‌های تنش دیپلماتیک، اختلالات تجاری دوره‌ای و حتی رویارویی‌های غیرمستقیم نیابتی و درگیری‌های مستقیم احتمالی در مکان‌هایی مانند سوریه و شرق مدیترانه، بین ترکیه و اسرائیل بیشتر شود و تنش‌های منطقه‌ای را در سال‌های آینده به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

▼ چرخه بی‌ثباتی ادامه دارد

اسرائیل تصمیم گرفته قدرت نظامی برتر منطقه باشد. این تمایل ریشه در دکنترین استراتژیک اقدام پیشگیرانه اسرائیل که از آن به عنوان «جنگ بین جنگ‌ها» یاد می‌شود دارد. این رویکرد شامل حمله به تهدیدات قبل از تحقق کامل آنها، استفاده از برتری هوایی و آزادی عملیاتی در حریم هوایی لبنان، سوریه، عراق و احتمالاً ایران خواهد بود. اسرائیل با اطمینان از اینکه دشمنانش یا قادر به پاسخگویی مؤثر نیستند یا تمایلی به پاسخ ندارند، با تشدید مکرر تنش هیچ مشکلی نخواهد داشت، زیرا می‌داند که این امر می‌تواند با عواقب نسبتاً حداقلی همراه باشد و در عین حال قابلیت‌های مخالفانش را بیشتر تضعیف کند. با این حال، حتی با تضعیف ایران، ثبات منطقه‌ای همچنان دور از دسترس خواهد بود. برخلاف انتظارات اسرائیل، یک ایران تضعیف شده به‌طور خودکار ثبات منطقه‌ای ایجاد نمی‌کند زیرا ایران احتمالاً خود را بازسازی خواهد کرد و استراتژی اسرائیل احتمالاً در هر کشوری که در چند سال گذشته بمباران کرده، تندروهایی ایجاد خواهد کرد و همچنین باعث ایجاد شک و تردید در دیگران خواهد شد. از نظر دیپلماتیک، اگر چه کشورهای حاشیه خلیج فارس ممکن است از دیدن یک ایران ضعیف استقبال کنند، اما به‌طور فزاینده‌ای از موضع تهاجمی و اولویت‌های امنیتی اسرائیل، به‌ویژه با توجه به اینکه ایالات متحده تمایل کمی برای مهار آن نشان می‌دهد، نگران هستند. استراتژی اسرائیل، که از نظر نظامی سختگیرانه و از نظر دیپلماتیک بی‌محایا تلقی می‌شود، در تضاد با اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی بلندمدت کشورهای حاشیه خلیج فارس است. نگرانی فقط مربوط به اقدامات نظامی اسرائیل نیست، بلکه فقدان یک استراتژی خروج پایدار از تنش و برنامه‌های پس از جنگ نیز هست که به بی‌ثباتی بیشتر دامن می‌زند. بدون چشم‌انداز وسیع‌تر برای آنچه پس از جنگ رخ می‌دهد، اسرائیل در انزوا قرار می‌گیرد و چرخه‌ای از بی‌ثباتی را ایجاد می‌کند که هم صلح منطقه‌ای و هم اهداف استراتژیک خودش را تضعیف می‌کند. همه اینها به این معنی است که منطقه به سمت مسیری نامشخص پیش می‌رود، و این مسیر لزوماً به ثبات اقتصادی و امنیت راهی نمی‌برد.



عرباب از اسرائیل

براهای بی‌محابای اسرائیل افزایش یافته است

مشروعیت داخلی و هم‌برنامه‌ی عربستان برای به دست گرفتن رهبری منطقه را به خطر خواهد انداخت. علاوه بر این، ایالات متحده به دنبال امضای توافق‌نامه‌های همکاری دفاعی و اقتصادی با عربستان سعودی، مستقل از عادی‌سازی روابط با اسرائیل، بوده است. پیش از این، این توافق‌نامه‌ها به عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل مرتبط بودند، اما حالا واشنگتن اذعان دارد که عادی‌سازی روابط به‌طور فزاینده‌ای بعید است. در نتیجه، هم ایالات متحده و هم عربستان سعودی قرار است همکاری‌های دوجانبه خود را پیش ببرند. با توجه به همه این عوامل و محدودیت‌های پیش‌رو، عربستان سعودی احتمالاً موضع قاطعانه‌تری در مورد مسئله فلسطین اتخاذ خواهد کرد و این امر چشم‌انداز پیشرفت‌های دیپلماتیک با اسرائیل را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

قرار است اسرائیل در سال ۲۰۲۶ انتخابات برگزار کند. احتمال زیادی وجود دارد که اسرائیل یک دولت ملی‌گرا را انتخاب کند. همچنین احتمال کمتری نیز وجود دارد که یک ائتلاف راست افراطی دیگر در اسرائیل ظهور کند. وقوع هر دو سناریو، الحاق کرانه باختری و ادامه اشغال و عملیات نظامی در غزه را محتمل‌تر می‌کند. با این حال، تمایز بین این دو سناریو در میزان و انعطاف‌پذیری نهفته است: یک دولت راست افراطی از نظر ایدئولوژیکی بسیار سفت و سخت‌تر است. کمتر در مقابل فشارهای خارجی انعطاف نشان می‌دهد و آشکارا با حقوق فلسطینیان و نظارت‌های دموکراتیک دشمنی خواهد کرد. یک دولت ملی‌گرا، اگر چه تندرو است اما ممکن است در برابر فشارهای ایالات متحده یا کشورهای منطقه، کمی عملگرتر رفتار کرده و احتمالاً گام‌های محدودی در جهت عادی‌سازی با کشورهای عربی بردارد. در مقابل، یک

قدرت نظامی اسرائیل باشند و در وضعیت بسیار ناگواری قرار بگیرند بنابراین طبیعی است که به‌طور فزاینده‌ای نسبت به تعمیق بیشتر روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود با اسرائیل تردید کنند. خصوصاً اینکه موضع نظامی تهاجمی که اسرائیل در طول دو سال گذشته به نمایش گذاشت، ثابت کرده که ایالات متحده تمایل یا توانایی تسلط بر نزدیک‌تری متحدش در خاورمیانه را ندارد. البته بعید است اسارات متحده عربی و بحرین از توافق‌نامه ابراهیم خارج شوند اما اگر وضعیت به همین ترتیب پیش برود مسلماً آنها نسبت به اقدامات اسرائیل که به بی‌ثباتی منطقه‌ای دامن خواهد زد، بدبین خواهند شد. عربستان سعودی و قطر که در ابتدا نسبت به عادی‌سازی روابط از طریق توافق‌نامه ابراهیم خوش‌بین بودند، احتمالاً در رویکردهای استراتژیک خود ارزیابی مجددی صورت خواهند داد، زیرا نگرانند که اسرائیل با تسلط نظامی‌اش بر منطقه و به کارگرفتن یک دیپلماسی تهاجمی بتواند ثبات منطقه‌ای و برنامه‌های اقتصادی بلندمدت آنها را به خطر بیندازد. عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل اکنون حتی بعیدتر از قبل به نظر می‌رسد. ریاض اقدامات نظامی و تهاجمی تل‌آویو را بی‌ثبات‌کننده می‌داند و این امر نگرانی عربستان سعودی را نسبت به عادی‌سازی روابط افزایش می‌دهد. عربستان سعودی در مقابل به صورت علنی روابط دیپلماتیک خود را با تهران تقویت کرده و این رویکرد نشان می‌دهد که عربستان مصمم است تثبیت روابط با ایران را ادامه دهد. ریاض احتمالاً به این نتیجه رسیده که عادی‌سازی روابط با اسرائیل هزینه زیادی برایش خواهد داشت و اعتبارش را به عنوان خادم حرمین شریفین به خطر خواهد انداخت. شاید ریاض معتقد است که عادی‌سازی با اسرائیل هم